

گزارش «وطن امروز» از نقش پشت پرده ناتو و غرب

در تشدید عملیات‌های کی یف علیه مسکو

اروپا

آتش‌بیار معرکه اوکراین!

صفحه ۳

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

چگونه شعر به بخشی از حافظه خیابانی

جنگ رمضان تبدیل شد؟

چکامه

مقاومت

صفحه ۴



اربعین شهادت ثالث الحجج حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای شان را تسلیت می‌گوییم

۱۹۹۱ سال و ۳۳۶ روز گذشت |

دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ | ۱۹ صفر ۱۴۴۸ | ۲۳ آگوست ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۷۷ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان

گزارشی از نتایج جدیدترین نظرسنجی‌ها درباره تشدید مخالفت طرفداران ترامپ با جنگ آمریکا علیه ایران و استیصال کاخ سفید برای خروج از بحران

سرخوردگی جنگی

صفحه ۲



«وطن امروز» بررسی کرد: از جنجال رسانه‌های آمریکایی درباره حمله به ایران تا پست ترامپ مبنی بر لغو حمله

نمایش آخر هفته

زمانی انجام می‌شود که ترامپ مطمئن شود پروژه ترور موفقیت‌آمیز است.
۵- یک فرضیه دیگر این است کل این ماجرا، یک عملیات روانی بوده تا به زعم ترامپ، فشارها بر ایران برای عقب‌نشینی در ماجرای تنگه هرمز افزایش یابد. کما اینکه روز شنبه نیز برخی کارشناسان تاکید کردند حمله‌ای رخ نخواهد داد و هدف اصلی آمریکا از طرح ادعای حمله به ایران، تشدید فشار بر ایران و افزایش تحرک کشورهای منطقه برای حصول توافق با ایران است.

اینها مهم‌ترین نکاتی است که درباره ادعای حمله آمریکا به ایران و دلایل تجدیدنظر ترامپ درباره آن مطرح است. با توجه به این گزاره‌ها می‌توان به یک جمع‌بندی کلی رسید.

نخست آنکه ادعای ترامپ مبنی بر فرصت دادن به دیپلماسی فاقد اعتبار است.

دوم اینکه به نظر می‌رسد ترامپ تصمیم خود را برای حمله گسترده به ایران گرفته است و تصور می‌کند یک حمله دیگر، بر اساس الگوی ۹ اسفند، این بار می‌تواند زمینه لازم را برای ادعای پیروزی بر ایران و خروج آمریکا از جنگ فراهم می‌کند. بر اساس این فرضیه و همان‌گونه که اشاره شد، ترور مقامات و شخصیت‌ها محور این حمله است و بر این اساس، حمله به ایران زمانی انجام می‌شود که آمریکا و احیاناً رژیم صهیونیستی نسبت به موفقیت‌آمیز بودن ترورها مطمئن باشند. بنابراین نباید و نمی‌توان زمان مشخصی برای حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران مشخص کرد. زمان این حمله را نه رسانه‌ها، بلکه شرایط میدانی مشخص می‌کند.

با ترامپ بوده است. اینگونه، هم عدم انجام حمله در زمان ادعایی رسانه‌ها توجیه می‌شود و هم زمان لازم برای ادامه رصدهای اطلاعاتی برای ترورها در ایران به دست می‌آید.
ب- یکی دیگر از دلایل طرح ادعای لغو حمله به ایران به خاطر تماس ولیعهد سعودی با ترامپ می‌تواند این باشد که ترامپ این امتیاز غیرواقعی را به سعودی‌ها بفروشد تا در آینده و در صورت حمله به ایران، مدعی شود پیش از این به خاطر عربستان، از حمله به ایران خودداری کرده بود.

احیاناً ترامپ در آن زمان مدعی خواهد شد نگرانی‌های سعودی درباره واکنش ایران را درک و حمله به ایران را لغو کرده بود اما نهایتاً چاره‌ای جز انجام این حمله نداشت، چون خود عربستان نیز نتوانست شرایطی برای توافق میان ایران و آمریکا محقق کند.

۴- دولت آمریکا به صورت رسمی زمان حمله به ایران را اعلام نکرده بود. اگرچه ترامپ روز شنبه تصویر یک F22 را پست و حساب کاخ سفید نیز برای سربازان آمریکایی آرزوی موفقیت کرده بود اما غیر از این، دولت آمریکا درباره زمان حمله به ایران، موضع رسمی اتخاذ نکرده بود. این رسانه‌های آمریکایی بودند مدعی شدند آمریکا قرار است شنبه یا یکشنبه به ایران حمله کند. بر همین اساس، این احتمال نیز وجود دارد که اساساً آمریکا به صورت مشخص، برای اینکه بامداد یکشنبه به ایران حمله کند طرح و برنامه‌ای نداشته است. بر پایه این فرضیه، می‌توان این گزاره را مد نظر قرار داد که زمان حمله آمریکا و احیاناً رژیم صهیونیستی به ایران، تابع وضعیت پروژه ترور است؛ یعنی حمله

به یک موضوع شخصی برای ترامپ نیز تبدیل شده است. به احتمال بسیار زیاد، دلیل عدم حمله نظامی آمریکا و احیاناً رژیم صهیونیستی به ایران، عدم قطعیت موسسات و سیا در موفقیت ترورها بوده است. بنابراین احتمالاً حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران زمانی آغاز خواهد شد که ترامپ از قطعیت و تضمین موفقیت‌آمیز بودن ترورها مطمئن شود.
۳- تعدادی از رسانه‌های آمریکایی مدعی شده‌اند دلیل اصلی تجدیدنظر ترامپ در حمله به ایران، تماس محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی با او بوده است. این رسانه‌ها مدعی شده‌اند بن سلمان در این تماس تلفنی، نسبت به تبعات حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران، ابراز نگرانی کرده و تبعات جهانی واکنش ایران به این حمله را به ترامپ گوشزد کرده است. دربار سعودی نیز این تماس تلفنی را تایید کرده، زیرا عربستان تمایل دارد اینگونه تلقی شود که آنها مانع حمله آمریکا به ایران شده‌اند. نمی‌توان با قطعیت این موضوع را رد کرد اما هدف ترامپ از القای این موضوع چیست؟
الف- ترامپ و به صورت کلی دولت آمریکا، به صورت رسمی، زمان مشخصی برای حمله به ایران تعیین نکردند. احتمالاً آنها مترصد زمان مناسب برای انجام ترورها در ایران بودند اما از آنجا که این فرصت برای آنها مهیا نشد، قصدی برای آغاز حمله به ایران نداشتند اما پس از تماس ولیعهد سعودی، ترجیح دادند اینگونه وانمود شود که عدم حمله در زمانی که رسانه‌ها مدعی شده بودند، به خاطر تماس محمد بن سلمان

بر لغو حمله به ایران دیده نمی‌شود. آرایش میدانی و سیاسی ترامپ به وضوح نشان می‌دهد او تصمیم خود برای از سرگیری جنگ گسترده علیه ایران را گرفته و فقط دنبال زمان مناسب برای انجام این حمله می‌گردد.
۲- در چند روز گذشته، به‌ویژه از شامگاه جمعه که موضوع حمله به ایران جدی شده بود، رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌خصوص آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، ادعاهای مختلفی را درباره اهداف این حمله مطرح کردند. از زیرساخت‌های انرژی گرفته تا تاسیسات هسته‌ای و حمله زمینی به قصد اشغال یک یا چند جزیره ایرانی، مهم‌ترین اهدافی بود که این رسانه‌ها مطرح کردند. نکته قابل تأمل درباره پیش‌بینی‌های رسانه‌ای، عدم اشاره به موضوع ترورها بود. تقریباً هیچ‌کدام از این رسانه‌ها به برنامه آمریکا برای ترور مقامات و فرماندهان ایرانی اشاره نکردند. این حمله به ایران را لغو می‌کند. بنابراین مشخص است او از یک الگوی تکراری علیه ایران استفاده می‌کند و به عبارتی دست او برای ایران و بقیه رو شده است. بنابراین اکنون سوال اساسی این است: دلیل اصلی عقب‌نشینی ترامپ از حمله گسترده به ایران چیست؟ درباره موضع جدید ترامپ درباره حمله به ایران و همچنین دلایل آن، چند نکته را می‌توان مطرح کرد.
۱- ترامپ در پست خود در شبکه تروث مدعی شد حمله به ایران را لغو کرده است، البته توضیح دقیق‌تر این است که حمله به ایران لغو نشده، بلکه فعلاً به تعویق افتاده است، مروری بر رفتار ترامپ در قبال ایران طی یک سال اخیر، این واقعیت را نشان می‌دهد که آمریکا و رژیم صهیونیستی هرگز پروژه حمله به ایران را لغو نکرده‌اند، بلکه آن را به تعویق انداخته‌اند. بر اساس برخی محاسبات، از پس از جنگ ۱۲ روزه تائکون، ترامپ ۱۰ بار حمله به ایران را به تعویق انداخته است. تعویق حمله به ایران، هر بار به دلایلی رخ داده است اما هیچ‌وقت این حمله لغو نشده و تنها به زمان دیگری موکول شده است. طبق این الگو، همچنین گزاره‌های سیاسی و شواهد میدانی، اکنون هیچ نشانه‌ای مبنی

گروه سیاسی: چرا ترامپ از حمله گسترده به ایران منصرف شد؟ این مهم‌ترین سوالی است که از صبح دیروز پس از پست رئیس‌جمهور آمریکا در شبکه تروث، در محافل سیاسی مطرح شده است. ترامپ مدعی است پیشرفت‌هایی در مذاکرات حاصل شده و او به این نتیجه رسید که عدم حمله به ایران، به سود منطقه و کل دنیاست، به همین خاطر در تصمیمش برای حمله به ایران تجدیدنظر کرد. این چندمین‌باری است که ترامپ در دقیقه ۹۰ حمله به ایران را لغو می‌کند. بنابراین مشخص است او از یک الگوی تکراری علیه ایران استفاده می‌کند و به عبارتی دست او برای ایران و بقیه رو شده است. بنابراین اکنون سوال اساسی این است: دلیل اصلی عقب‌نشینی ترامپ از حمله گسترده به ایران چیست؟ درباره موضع جدید ترامپ درباره حمله به ایران و همچنین دلایل آن، چند نکته را می‌توان مطرح کرد.
۱- ترامپ در پست خود در شبکه تروث مدعی شد حمله به ایران را لغو کرده است، البته توضیح دقیق‌تر این است که حمله به ایران لغو نشده، بلکه فعلاً به تعویق افتاده است، مروری بر رفتار ترامپ در قبال ایران طی یک سال اخیر، این واقعیت را نشان می‌دهد که آمریکا و رژیم صهیونیستی هرگز پروژه حمله به ایران را لغو نکرده‌اند، بلکه آن را به تعویق انداخته‌اند. بر اساس برخی محاسبات، از پس از جنگ ۱۲ روزه تائکون، ترامپ ۱۰ بار حمله به ایران را به تعویق انداخته است. تعویق حمله به ایران، هر بار به دلایلی رخ داده است اما هیچ‌وقت این حمله لغو نشده و تنها به زمان دیگری موکول شده است. طبق این الگو، همچنین گزاره‌های سیاسی و شواهد میدانی، اکنون هیچ نشانه‌ای مبنی

و ورود به ساحت برزخی در چارچوب نظریه ترنر - دانشمند انسان‌شناس مطرح اسکاتلندی - هر آیین گذار - از جمله زیارت - ۳ مرحله را طی می‌کند: نخست جدایی از محیط پیشین، سپس وضعیت آستانگی یا میان‌مایگی و سرانجام بازگشت و ادغام مجدد با هویتی نو. وی بیشترین تمرکز خود را بر مرحله دوم می‌گذارد. وضعیت آستانه، فضایی است میان این جهان و آن جهان، میان اینجا و آنجا و حالتی برزخی و معلق که در آن، هنجارهای زندگی روزمره به تعلیق درمی‌آید. زائر با گام نهادن در مسیر راهپیمایی اربعین و عبور از مرزهای شهر خویش، به همین جغرافیا و فضای در آستانگی گام می‌گذارد. جاده ۸۰ کیلومتری نجف - کربلا یا هر یک از مسیرهای دیگر منتهی به حرم، مکان/ زمانی معلق است که با قواعد شهرسازی و اقتصاد مدرن اداره نمی‌شود. زائر در این مسیر، کسی است که آگاهانه خانه، بستر آسایش، امنیت روانی سکونت و پوشش معمول خود را وامی‌نهد تا خاکی بودن را از سر بگذراند. در این وضعیت، دیگر کسی با القاب پیشین خود شناخته نمی‌شود. هویتی که از یک سوریش در تاریخ شیعه دارد و از سوی دیگر، سرشتی رها و در گذار است. همین ورود ارادی به آستانه رنج، سرآغاز انقلابی درون‌ذاتی و برون‌ساختی است.

ادامه در صفحه ۲